

عملکرد واحد توپخانه نادرشاه افشار

مهدی دهقانی*

چکیده

بی‌توجهی به واحد توپخانه در اواخر حکومت صفویه موجب ضعف کارایی عملیاتی آن شد، به‌نحوی که توپچیان ایرانی مهارت و تجربه چندانی در فرایند توپ‌ریزی و نشانه‌گیری نداشتند. گسترش و پیچیدگی دامنه درگیری نادرشاه با دشمنان داخلی و خارجی موجب اهتمام روزافزون وی برای تشکیل و تقویت واحد توپخانه شد. از همین رو پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که واحد توپخانه نادرشاه افشار چه عملکرد و کارکردی داشت؟ یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که توپخانه فرمانروای افشار به تدریج در زمینه‌های مختلف همچون تجهیزات، استخدام و آموزش توپچیان و ارتقای مناصب و جایگاه فرماندهان بهبود چشمگیری یافت؛ به‌نحوی که مهم‌ترین واحد عملیاتی قشون در میدین جنگی به‌ویژه در جریان نبردهای دریایی و یا محاصره قلاع سوق‌الجیشی محسوب می‌شد. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحقیق تاریخی و شیوه جمع‌آوری داده‌های کتابخانه‌ای از منابع دست‌اول تاریخی پس از توصیف و طبقه‌بندی جنبه‌های گوناگون توپخانه نادرشاه افشار به تحلیل و تفسیر این ویژگی‌ها و تأثیرات مختلف آن می‌پردازد.

واژگان کلیدی: توپخانه، توپچی، توپ‌ریزی، قلعه، نادرشاه افشار.

مقدمه

از اوایل عصر صفوی برای مقابله مؤثر با حملات توپخانه قدرتمند قشون عثمانی، تلاش‌های پراکنده‌ای برای خریداری یا ساخت اسلحه توپ انجام شد که به تدریج به تشکیل واحد توپخانه انجامید. هرچند که با کاهش جنگ‌های برون‌مرزی و سیاست صرفه‌جویی منابع مالی، انسجام و کارایی آن کاهش چشمگیری یافت. با انقراض حکومت صفوی، شیرازه ساختار قشون و ازجمله امور مربوط به توپخانه از میان رفت ولی نادرشاه در تکاپوهای خویش برای بازسازی قشون، اهتمام ویژه‌ای به تشکیل واحد توپخانه نشان داد. بر این منوال سؤال مذکور مطرح می‌شود که توپخانه نادرشاه افشار چه کاربرد عملیاتی داشت؟ برای پاسخ‌گویی می‌توان گفت که واحد گران‌قیمت توپخانه که مؤثرترین بخش قشون افشار در جنگ قلعه و یا در مواجهه با دزدان دریایی خلیج فارس محسوب می‌شد تا زمان قتل نادرشاه افشار دائماً در حال گسترش کمی و کیفی بود.

تاکنون، پژوهش‌های جامعی درباره کارکرد واحد توپخانه نادرشاه افشار انجام نشده است. با این حال، عده‌ای از پژوهشگران به نظام توپخانه در دوره‌های صفویه و قاجاریه پرداخته‌اند. پیرامون دوره صفویه، مجتبی تبریزیا تبریزی و همکاران در مقاله «کاربرد سلاح توپ در سرکوب شورش‌های محلی و استقرار دولت متمرکز عصر صفوی» به سرکوب شورش‌های محلی دشمنان داخلی همچون جنگ قلعه تربت و یا سرکوب امیرخان حاکم تبریز که فاقد توپخانه مشابه‌ای بودند، توجه نشان داده‌اند. مجتبی تبریزیا تبریزی و عبدالرسول خیراندیش در پژوهشی دیگر با عنوان «توپچی باشی» در عصر صفوی؛ از فن‌سالاری تا منصب‌داری» به مباحثی همچون وظایف توپ‌ریزی و توپ‌اندازی استادان و ارتقای جایگاه و مناصب آنان و همچنین اهمیت یافتن تدریجی توپخانه در خلال نبردها اشاره کرده‌اند (تبریزیا تبریزی و همکاران، ۱۳۹۸، الف: ۱۶۶-۱۶۵؛ تبریزیا تبریزی، خیراندیش، عبدالرسول، ۱۳۹۸، ب: ۶۵، ۶۸ و ۷۱). پیرامون دوره قاجاریه، رضا صحت‌منش در مقاله «نظام توپخانه در دوره قاجار» به موانع تشکیل واحد توپخانه بنا به دلایلی همچون مخالفت و رقابت سواره‌نظام ایلی، عدم تأمین اعتبار مالی مناسب و ضعف نیروی انسانی آن پرداخته است (صحت‌منش، ۱۳۹۷: ۱۰۱، ۱۰۴ و ۱۰۶).

با این اوصاف پژوهش‌کنونی با بررسی دقیق منابع تاریخی، محور کاربرد عملیاتی واحد توپخانه نادرشاه را که هزینه‌برترین و درعین حال از مؤثرترین قسمت‌های قشون

افشار محسوب می‌شد را در قالب عملکرد و تدارکات واحد توپخانه مورد توجه قرار می‌دهد تا بدین ترتیب شرح جامعی از شرایط تأمین، نگهداری و کارایی آن ارائه نماید. در این خصوص، پژوهش کنونی با استفاده از روش تحقیق تاریخی و طبقه‌بندی جنبه‌های مختلفی از قبیل انواع توپ، آموزش و کاربرد عملیاتی واحد توپخانه به تحلیل و تفسیر این ویژگی‌ها و تأثیرات آن بر جایگاه واحد توپخانه در قشون نادرشاه افشار می‌پردازد.

عملکرد واحد توپخانه

اولین و متداول‌ترین شیوه کاربرد توپخانه در جریان نبردهای صحرائی بود. در نبردهای صحرا، روش «تنبور جنگی» از دیرزمانی برای محافظت از لشکریان در مقابله با شیبخون دشمنان بدین‌سان بود که در هنگام اردو و یا در جریان نبرد، گرداگرد اردوی جنگی را با توپخانه مورد محافظت قرار می‌دادند (matthee, 2012: 217). نادر از چنین فن جنگی در بدو قدرت‌گیری خویش اطلاع داشت. وی شیوه مذکور را احتمالاً از ملک محمود سیستانی حاکم مشهد در زمانی که از رویارویی مستقیم با نادرقلی افشار پرهیز می‌نمود، آموخته بود؛ به طوری که در هنگامه نبردی مشابه، به‌منظور جلوگیری از شیبخون ذوالفقارخان حاکم هرات از شیوه مذکور استفاده نمود. در شب‌هنگام، فرمانده افشار با کاربست توپ و تفنگ گرداگرد اردو را سنگر زد و بدین‌سان نجف سلطان قراچورلو طایه‌دار توانست شیبخون امان‌الله خان افغان را دفع نماید. علاوه بر دفاع، در هنگام حمله نیز سردار افشار پیرامون لشکریان را سلاح توپ و جزایری قرار داد که با شروع حمله افغان‌های ابدالی، توپچیان توأمان با تفنگچیان کمین کرده و سپس شلیک نمودند که منجر به هزیمت دشمن با تلفات بسیار گردید (مروی، ۱۳۶۴: ۱/ ۱۷۲ و ۱۷۴). در طی سال‌های آتی، طهماسب قلی خان در تمامی نبردهای صحرائی خویش به غیر شکست نخست از توپال عثمان پاشا با موفقیت از آتش توپخانه بهره جست که از جمله می‌توان به سرکوب شورش محمدخان بلوچ اشاره کرد^۱ (رستم الحکما، ۱۳۸۲: ۲۱۰).

۱. نمونه مشابه: در طی نبرد مهماندوست، نادرشاه به علت لشکریان فراوان اشرف افغان، اردوی جنگی خویش را با محافظت توپخانه و زنبورک‌خانه به دامنه تل انجیل رسانید. افغان‌ها حمل بر فرار کردند و سیدال‌خان افغان تعقیب کرد ولی امیرخان توپچی باشی با توپ و خمپاره زنبورک سی صدالی چهارصد نفر از آنان را کشت - مروی، ۱۳۶۴: ۱/ ۱۱۰-۱۱۱.

چنین طریقه جنگی به‌ویژه مورد استعمال پاشاهای قشون عثمانی در تمامی محاربات با نادرشاه افشار بود ولی با افزایش تدریجی توان توپخانه، فرمانروای افشار شرایط مناسب‌تری برای مواجهه با توپخانه سنگین قشون عثمانی یافت. به‌عنوان نمونه، عثمان پاشا فرمانده نظامی قلعه همدان در مواجهه با سردار افشار از حربه جنگی فوق‌بهره جست. در ساحل رود میان‌دوآب نیز «تیمور پاشا، چنانکه عادت و قانون رومیه می‌باشد، حدود خود را به زنجیر عراده استحکام داده، و شش هزار توپچی را فرمود که از درون عراده به انداختن توپ و تفنگ و بادلیج^۱ و ضربزنگ پردازند» (مروی، ۱۳۶۴: ۱/ ۱۳۱ و ۱۳۸). ترفند مشابه‌ای را توپال عثمان پاشا با موفقیت در سال ۱۱۴۵ ق، به کار بست. بنا به گفته استرآبادی اردوی توپال عثمان پاشا در «موضع شکسته ناهموار و سمت غربی آن ممر دجله ذخار بود، نصب خیام قرار کرده و سه طرف دیگر را مورچل و منطریس ترتیب داده، قلعه آهنین و حصار آتشین از عراده توپ و بادلیج در اطراف منطریس بنا نهاده و قوائم آن‌ها را به زنجیرهای گران به یکدیگر پیوند داده، به‌نوعی که آن را مقام اقامت و استقرار توپچیان و تفنگچیان کردند». باوجود استحکامات چندلایه، سردار افشار «چند نفر از رومیه خیره سر را تارک مغفر به ضرب شمشیر برق اثر در هم شکافته، داخل توپخانه و بعضی از توپخانه را تصرف کرده، از سمت دیگر متوجه منطریس ایشان گشتند» (استرآبادی، ۱۳۴۱: ۲۰۳-۲۰۴).

شیوه دوم و درعین‌حال پیچیده‌کاربست توپخانه در جریان نبردهای دریایی بود. در طی زدوخوردهای دریایی که در خلیج فارس با دزدان دریایی یا اعراب مسقط صورت می‌پذیرفت نادرشاه به‌وسیله سردارانش اهتمام ویژه‌ای به کاربرد سلاح توپ داشت. بااین‌حال، توپچیان افشار که شتابان از نواحی دور و نزدیک گردآوری می‌شدند، در نبردهای متحرک دریایی که سطح بالایی از نشانه‌گیری و مهارت را می‌طلبد تجربه چندانی نداشتند؛ ازاین‌رو، علی‌رغم برتری نفرات، توپخانه گاهی نقش فاجعه‌باری در مواجهات دریایی داشت. در سال ۱۱۵۴ ق، امام وردی خان قرقلو فرمانده ارشد دریایی ایران در بندرعباس با ضبط کشتی‌های فرانسوی و هلندی و نصب بیست عراده توپ که از قلعه لار ارسال شده بود برای مقابله با ملک تیهال هول‌های^۲ به جزایر آبکون و نیستان

۱. بادلیج و ضربزنگ انواعی از توپ خرد بودند.

۲. وی از بزرگان اعراب هول‌ه بود که در طی قرن دوازدهم قمری در هر دو کرانه خلیج فارس می‌زیستند. اوتر، ۱۳۶۳: ۲۳۵ و ۲۳۷.

شتافت ولی در جریان نبرد، توپچیان برای آنکه نقطه متحرک دورتری را هدف قرار بدهند یک عراده توپ را با میزان باروت مضاعفی آتش زدند که منجر به انفجار توپ و کشته شدن سردار قرقلو با شانزده نفر از سربازان اطرافش شد. رخدادهای مذکور که نشانه بی تجربگی سربازان ایرانی بود موجب شد تا با کشته شدن پانصد نفر از سربازان، بسیاری از قایق‌ها نیز به تصرف اعراب هوله درآید^۱ (اوتر، ۱۳۶۳: ۲۳۲).

مهم‌ترین و دشوارترین کاربرد توپخانه در جنگ قلعه بود. در هنگام گلوله‌باران قلعه، باوجود آنکه دیوار یا برج‌های آن به کرات ویران می‌شد ولی به‌واسطه حفر خندق و حصارهای متعدد، مدافعان شب‌هنگام با لوازم غیرتخصصی همچون جوال، توبره و رخت خواب مملو از شن و خاک، دیوار ویران‌شده را مرمت می‌کردند. بااین‌وجود، توپچیان محاصره‌گر، افراد نظامی و خمپاره‌اندازها خانه‌ها را ویران می‌کردند. این رخداد در قلعه بسیار مستحکم گنجه که در تصرف لشکریان عثمانی قرار داشت و مجهز به دو حصار و سه ردیف خندق بود، بارها به وقوع پیوست (دوکلستر، ۱۳۴۶: ۱۴۶). در نمونه‌ای دیگر در سال ۱۱۴۹ ق، در هنگام محاصره قلعه قندهار، حسین‌خان افغان حاکم شهر با معاونت دوست محمدخان اعتمادالدوله هر برجی که ویران می‌شد را با گلیم و جامه خواب مانند جوال دوخته و به همراه صندوق و سبدها پر از خاک می‌کردند^۲ (مروی، ۱۳۶۴: ۵۳۸/۲). علاوه بر کاربرد استحکامات مذکور، در بعضی قلاع بزرگ همچون قلعه بغداد دیوار را گل‌اندود می‌کردند. در این خصوص میرزا عبدالکریم از ملازمان نادرشاه افشار می‌نگارد: «بغداد جدید علاوه بر آنکه در دیوار بلندی مزین به استحکامات پوشیده شده از گل محصور است که در موقع جنگ گلوله توپ در گل فرو رفته اثرش خنثی شود» (میرزا عبدالکریم، ۱۳۳۳: ۳۵).

به علت ضعف دامنه عملیاتی و تأثیر آنی گلوله‌های توپ، از شیوه‌های جنگی مکمل و مرسوم برای یورش به قلاع مستحکم، کاریست حواله‌های چوبی بود که از بالای آن تفنگچیان و توپچیان اقدام به شلیک می‌کردند؛ هرچند برای کارایی مؤثر آن ضروری بود که حملات زمینی به‌صورت هم‌زمان صورت پذیرد. از بدو قدرت‌گیری، نادرشاه در کنار

۱. نمونه مشابه: بنا به گزارش منابع هلندی، در همان سال تمام توپچیان محمدتقی‌خان دریابگی کشته شدند - فلور، ۱۳۶۸: ۲۰۵.

۲. نمونه مشابه: اهالی قلعه باغواده از طایفه کوندوزلو افشار با ویرانی دیوار قلعه، با چوب و خاک آن را مرمت کردند - استرآبادی، ۱۳۴۱: ۳۶.

سایر فنون قلعه‌گیری از برپا کردن حواله‌های متعدد در جوانب قلعه بهره می‌جست. حواله‌بندی برای تصرف قلاعی که مجهز به سلاح گرم به‌ویژه توپخانه نبود حربه کارآمدی محسوب می‌شد. برای قلعه باغواده و به‌ویژه ینگگی قلعه در حوالی ابیورد و همچنین سال‌ها بعد برای تصرف قلعه خیوه از حواله‌بندی که بدان «سرکوب» نیز گفته می‌شد با موفقیت استفاده گردید. با این‌همه حواله‌بندی در مواجهه با مدافعین مجهز به آتشبار سنگین به‌ویژه توپخانه کارکرد مناسبی نداشت. در هنگام محاصره قلعه گنجه، سرداران نادر نایب‌السلطنه با کاربست چوب و ساروج به‌کرات اقدام به ساخت حواله‌های مجهز به افراد توپچی و زنبورکچی کردند ولی هر مرتبه با شلیک دقیق توپخانه قلعه، سربازان سرنگون می‌شدند. انهدام حواله‌ها که به‌طور موقت موجب جلب توجه آتشخانه دشمن را فراهم می‌آورد در نهایت به دفع یورش دستجات اردوی محاصره‌گر می‌انجامید^۱ (استرآبادی، ۱۳۴۱: ۳۶ و ۳۵۸؛ مروی، ۱۳۶۴: ۱/ ۳۸۲، ۳۸۴ و ۳۸۷؛ دوکلوستر، ۱۳۴۶: ۱۴۶).

فرمانروای افشار علی‌رغم کاربست تجهیزات و شیوه‌های مختلف قلعه‌گیری در محاصره هفت‌ماهه قلعه گنجه (توپخانه، حواله‌بندی، نقب زدن و غرقاب قلعه)، به علت استفاده ناهم‌زمان از تجهیزات فوق، توفیق چندانی کسب نکرد لذا با کسب تجربه از ناکامی خویش، شیوه کاربرد هم‌زمان را برای تصرف قلاع مهمی از جمله موصل و قندهار صورت داد که تا حدودی به موفقیت وی انجامید؛ به‌عنوان نمونه نادرشاه برخلاف محاصره نخست قلعه موصل که به سبب فقدان توپخانه حتی بزرگان شهر رغبتی به گریختن نداشتند (دوکلوستر، ۱۳۶۸: ۱۰۴) با آغاز محاصره مجدد، توپ‌ها و خمپاره‌های بزرگی در اطراف قلعه تعبیه کرد تا حصار را تخریب نمایند و به‌طور هم‌زمان سربازان آتش به نقب‌ها و حفره‌ها زدند. افزون بر آن، بنا به گفته محمدکاظم مروی «خاقان دوران، مقرر داشت که موازی سیصد عراده توپخانه و سیصد عدد منجنیق بر دور آن حصار چیدند و به انداختن گلوله و سنگ به میان قلعه اشتغال ورزیدند. چون مدت سه روز و سه شب موازی چهارده هزار گلوله سوای سنگ بدان قلعه افکندند، جمع کثیری که از حد الوف متجاوز بود، از ذکور و اناث در میان آن قلعه به ضرب گلوله و سنگ، پاره پاره

۱. نمونه مشابه: برای تزلزل روحیه لشکریان احمد پاشا و حتی‌الامکان تصرف قلعه مستحکم بغداد، فرمانروای افشار از ترفند مشابه ای بهره جست - استرآبادی، ۱۳۴۱: ۲۰۰.

و به قتل رسیدند». تدبیر مذکور و کشته شدن هزاران نفر از اهالی، منجر به تسلیم حسین پاشا حاکم قلعه و توپچی‌باشیان‌اش گردید (مروی، ۱۳۶۴: ۳/۹۱۶-۹۱۸).

با وجود ضعف آتش توپخانه و عدم مهارت مناسب توپچیان در مواجهه با قلاع مجهز به توپخانه لشکریان عثمانی و یا در نبردهای دریایی متحرک در خلیج فارس که مهارت بسزایی را می‌طلبد، غرش مهیب توپخانه نادرشاه در مواجهه با سرکشی اقوام داخلی و به‌ویژه همسایگانی همچون دستجات افغان، ترکمن و ازبک که تجربه و تجهیزات مشابه‌ای نداشتند موجبات برتری قطعی اردوی مهاجم افشار را فراهم می‌آورد؛ به‌طوری‌که در نواحی مذکور، نادرشاه و سردارانش در عملیات‌های متعدد صحرائی و قلعه‌گیری به پیروزی دست یافتند. در سال ۱۱۵۰ ق، در جریان پیشروی در نواحی افغان‌نشین، سرداران نادرشاه در ابتدا با تجهیز به توپخانه، قلعه شهر صفا و متعاقب آن شخص نادرشاه توانست قلعه عقابین را با توپ‌های قلعه کوب تسخیر نماید. در نواحی ازبک‌نشین نیز سواران متخاصم که تاکنون صدای گلوله توپ نشنیده بودند چه در نبردهای صحرائی و چه در طی محاصره قلاعی همچون خیوه و شلوک با تلفات سنگین تسلیم شدند^۱ (استرآبادی، ۱۳۴۱: ۲۹۰ و ۳۱۰؛ مروی، ۱۳۶۴: ۵۹۸/۲ و ۸۱۸).

مهارت توپچیان نیز نقش مهمی در کارکرد توپخانه قشون افشار داشت. نادر از همان بدو دستیابی به اسلحه توپ تلاش داشت با تعلیم عده‌ای از سربازان به‌عنوان توپچی، برتری نظامی خویش بر مدعیان محلی خراسان را به اثبات برساند. وی در بیشتر موارد شخصاً بر عملیات توپچیان که اکثراً از اهالی مرو محسوب می‌شدند، نظارت می‌کرد که از جمله می‌توان به آماده‌سازی توپخانه برای تصرف قلعه سنگان اشاره کرد: «در آن اثنا که توپچی توپ را خالی کرده و دوباره مشغول پر کردن آن شد، آن حضرت به الهام غیبی عزم مراجعت کرده همین‌که پنج شش قدم از آن موضع خطرناک دور شدند، ناگاه توپ از حرارت درون آتش گرفته، شراره شرارت افروخت. سعید سلطان کلانتر درون و چند نفر از توپچیان و ملازمان مروی که در آنجا بودند به صاعقه فنا سوختند» (استرآبادی، ۱۳۴۱: ۷۴). وقوع رخداد‌های مشابه از جمله در مواجهه دریایی با اعراب مسقط، نشان‌دهنده فقدان مهارت کافی توپچیان ایرانی برای هدایت توپ‌های بزرگ بود بنابراین، فرمانروای افشار و سردارانی همچون محمدتقی خان دریاییگی برای جایگزینی توپچیان

۱. نمونه مشابه: نادر نایب‌السلطنه، مظفرعلی بیگ یاغی را که در قلعه‌ای در لرستان محاصره شده بود را تهدید به آوردن توپخانه کرد که منجر به تسلیم وی شد. مروی، ۱۳۶۴: ۱/۲۵۰.

متوفی و نشانه‌گیری مؤثر توپ‌های بزرگ به توپچیان وابسته به قشون عثمانی و یا شرکت‌های هند شرقی انگلیس و هلند توجه داشتند.

از نخستین اقدامات فرمانروا برای سروسامان بخشیدن به واحد توپخانه و جبران کمبود تجربه و آموزش توپچیان ایرانی که به نام «عمله توپخانه» خطاب می‌شدند استفاده از توپچیان اروپایی اسیر شده بود. اولین مورد استفاده از توپچی اروپایی در جریان نبرد زرقان صورت پذیرفت که وظیفه هدایت توپ‌های بزرگ را عهده‌دار بودند. چنین توپچی‌هایی به احتمال قریب به یقین جزو اسرای نظامی طهماسب قلی خان افشار در نبرد مورچه‌خورت محسوب می‌شدند چراکه در مواجهه مذکور، اشرف افغان از توپچیان اروپایی قشون عثمانی برخوردار بود (تهرانی، ۱۳۴۹: ۲۸؛ قزوینی، ۱۳۶۷: ۸۵). توپچیان غربی مهارت بسزایی در شلیک توپ‌های بزرگ داشتند به نحوی که در ناحیه قوش قلعه‌سی در حوالی بغداد، توپ قلعه کوبی به غنیمت گرفته شد که تنها توپچیان اروپایی شیوه آتش آن را یاد گرفتند. توپ مذکور، بنا به گفته کلواستر تنها امتیاز نایب السلطنه ایران برای تصرف قلعه بغداد بود (دوکلوستر، ۱۳۴۶: ۱۰۱).

از دوره صفویه مهارت فنی توپچیان غربی موجب شهرت بسزای آنان در میان تمامی طبقات جامعه شده بود به طوری که همچون فن طبابت، عموم اروپاییان را توپچیان ماهری قلمداد می‌کردند. به عنوان مثال در سال ۱۱۳۶ ق، با محاصره همدان توسط احمد پاشا، مدافعین محلی دست به دامان کشیشی از فرقه کرملی به نام ژان ژوزف شدند تا برایشان توپ بسازد. کشیش هم که چندان اطلاعی از این فن نداشت توفیقی نیافت و به اندک زمان، تویی که ساخته بود منفجر شد (نوابی، ۱۳۶۸: ۸۹). بنا به گفته مؤلف تذکره ریاض الشعرا، لشکریان عثمانی به سبب قدرت توپخانه و کثرت نفرات توانستند قلعه همدان را تسخیر کنند (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۳/ ۱۵۰۱). با این اوصاف به جهت اهتمام نادرشاه به بهبود عملکرد واحد توپخانه و کاربرد مؤثر آن در عملیات صحرائی، مهم‌ترین انگیزه بهره‌برداری از توپچیان اروپایی برای موقعیت‌های پیچیده نظامی بود که ایرانیان دانش فنی لازم را نداشتند. به طوری که نادرشاه برای تقابل با لشکریان عبدالله پاشا سردار عثمانی پس از مشاوره با اروپاییان، نیروهایش را به گردنه‌ها و دره‌های عمیق برد و با تظاهر به ترس نیروهای کمی در جلگه گذاشت. وی نقاط عریض دره‌ها را مین‌گذاری کرد تا در حین ورود لشکریان دشمن، توپخانه را که در میان چپر‌ها و بوته‌های خار مستقر کرده بود مهیای نبرد نماید. در موقعیت مناسب، با آتش زدن مین‌ها یک‌سوم توپخانه عثمانی

از میان رفت. جدای از آن در سال ۱۱۵۱ ق، در هنگام محاصره قلعه قندهار، توپچیان ایرانی با همتایان اروپایی فراوانی که در اردوی جنگی حضور داشتند، همکاری می‌کردند. با استفاده از مهارت غربیان که به درستی نشانه‌گیری می‌کردند شکاف‌های بسیاری در حصار قلعه ایجاد شد که زمینه تصرف شهر را فراهم آورد (دوکلستر، ۱۳۴۶: ۱۴۷-۱۴۸ و ۱۹۳-۱۹۴).

درجات نظامی و حکومتی متصدیان توپخانه نیز در دوره فرمانروای افشار سیر تحول فراوانی یافت. واحد توپخانه از همان بدو قدرت‌گیری طهماسب قلی خان وجود داشت ولی به سبب نبود قلاع مستحکم و فقدان آتشخانه مشابه دشمنان، نقش محوری چندانی در اردوی جنگی نداشت؛ به طوری که متصدی توپخانه دارای منصب دون‌پایه «بیگی» بود. از دوره نخستین درگیری نظامی شاه طهماسب دوم تا نبرد کرکوک، مهدی بیگ توپچی باشی فرمانده توپخانه بود که تحت امر مستقیم فرمانده کل، عملیات نظامی را انجام می‌داد ولی وی در جریان هر دو مواجهه سرنوشت‌ساز با قشون عثمانی شکست خورد. در جریان نبرد نخست، اصرار نابهنگام شاه طهماسب دوم برای شلیک توپخانه موجب شد به علت درآویختن دو لشکر، تعدادی از نیروهای ایرانی کشته و لشکریان عثمانی پیروز شوند.^۱ در جریان شکست دوم در حوالی کرکوک نیز مهدی بیگ توپچی باشی از ترس مجازات فرمانروای افشار، با چند عراده توپ به قلعه بغداد پناهنده شد (مروی، ۱۳۶۴: ۱/ ۲۲۱-۲۲۰ و ۳۳۶).

با گسترش دامنه درگیری با قشون عثمانی، طهماسب قلی خان در طول نبردها و محاصره‌ها دریافت که به چه نیرویی بیشتر نیاز دارد لذا در سال ۱۱۴۵ ق، با شکست در نبرد کرکوک و از دست دادن توپ‌ها، اهتمام ویژه‌ای به واحد توپخانه نشان داد؛ به طوری که دویست عراده توپ برای جبران شکست از توپال عثمان پاشا از نواحی همدان و اصفهان مهیا دید (دوکلستر، ۱۳۴۶: ۱۱۷). با این همه از نشانه‌های دیگر تغییر رویکرد نظامی نایب‌السلطنه را می‌توان در ارتقای مقام فرمانده توپخانه از درجه بیگی^۲ به سلطانی

۱. برخلاف رویه جنگی شاه طهماسب دوم، نادرشاه افشار در جریان نبرد با برهان الملک بهادر از سرداران هندوستان، توپخانه و تفنگچیان را به جلو فرستاد و باقی‌مانده لشکریان به سبب بعد مسافت فقط صدای توپ و تفنگ را می‌شنیدند - واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۱/ ۲۹۳.

۲. با گسترش واحد توپخانه، توپچیان دون‌پایه‌ای همچون محمدحسن و غیاث‌الدین به‌عنوان توپچیان قلعه مرو دارای درجه بیگی بودند - مروی، ۱۳۶۴: ۳/ ۹۱۲.

و سپس خانی مشاهده کرد. به طوری که مهدی بیگ مغضوب را به عنوان زنبورکچباشی و علی نامی را با درجه خانی به توپچی باشیگری منصوب کرد. تفاوت مناصب دو رسته مجزای نظامی، نشان دهنده تغییر میدین جنگی و اهمیت یافتن توپخانه بود. با قتل علی خان، به ترتیب یارعلی سلطان عرب خراسانی و سپس فرزندش امیر با درجه خانی به منصب توپچی باشیگری دست یافتند (مروی، ۱۳۶۴: ۱/۳۸۶ و ۳/۱۱۹۸).

نادرشاه پس از تصرف ولایات مرزی نیز سیاست دفاعی مؤثری با محوریت توپخانه ایجاد کرد و به تدریج حوزه اختیارات توپچی باشیان را افزایش داد؛ به نحوی که آنان را به حکومت مناطق راهبردی گسیل می داشت. فرمانروای افشار برای مقابله مؤثر با تهاجمات عثمانی، حکومت ولایت شماخی را در سال ۱۱۶۶ ق، به مهدی بیگ زنبورکچباشی داد. در سال ۱۱۵۲ ق، با بازگشت نادرشاه از هند و اعلام فرمانروایی طهماسب خان جلایر در مناطق متصرفی شرق به مرکزیت کابل، اعتبار نظامی زنبورکچباشی خاصه شریفه افزایش یافت و با درجه خانی به عنوان توپچی باشی کابل و نواحی اطراف آن منصوب شد. در تداوم روند مذکور در سال ۱۱۵۹ ق، نادرشاه، امیرخان توپچی باشی را با دوازده هزار نفر به عنوان فرمانده توپخانه قلعه کرمانشاه تعیین کرد (مروی، ۱۳۶۴: ۱/۳۷۹، ۲/۷۸۷ و ۳/۱۱۸۰). بنا به گزارش رحمی تاتار فرستاده دربار عثمانی «نادرشاه در دامنه کوهساری پیوسته به کوه بیستون قلعه مانند بی نظیری ساخته که از حلیه تعریف مستغنی و از دایره توصیف بیرون است و درون آن بعض آلات حرب و پیکار از قبیل توپ و زنبورک انباشته است. از اینجا مردم تصور می کنند و می گویند که حاکم کرمانشاه توپچی باشی نادرشاه است» (ریاحی، ۱۳۶۸: ۲۲۳).

محور دیگر تشکیلات توپخانه، پیرامون جایگاه عملیاتی آن بود. در قشون افشار برپایه معیار دامنه عملیاتی دستجات، همواره واحد توپخانه در جلوی لشکریان استقرار می یافت و بر همین اساس واحدهای زنبورکخانه، جزایری، تفنگچی و پیاده نظام قرار می گرفتند. چنین ترتیب دفاعی را نادرشاه افشار در حوالی کافر قلعه در تقابل با لشکریان ابدالی شکل داد تا مانع از محاصره شدن لشکرش توسط دشمن بشود و در صورت شکست هر واحد، صف بعدی در برابر دشمن مقاومت کند. باین همه، پیشاهنگی توپچیان موجب می شد تا در صورت شکست، بیشترین آسیب را ببینند؛ به طوری که افزون بر ضبط توپخانه، بسیاری از کارکنان آن کشته می شدند. به عنوان مثال در سال ۱۱۴۳ ق، می توان از پایداری طاهربیگ، توپچی باشی لشکر ابراهیم خان حاکم مشهد یاد کرد که در تقابل با

لشکر ذوالفقارخان ابدالی حاکم هرات به جهت پراکندگی جناحین لشکرش کشته شد. در واقعه شکست در نبرد کرکوک نیز توپخانه افشار توسط لشکریان عثمانی مصادره و بسیاری از توپچیان آن کشته شدند (مروی، ۱۳۶۴: ۱/ ۹۷، ۱۵۳ و ۱۵۵؛ حسینی جامی، ۱۳۸۶: ۵۰؛ گزارش کارملیت‌ها از ایران، ۱۳۸۱: ۳۷).

برخلاف آرایش تدافعی، در هنگام تهاجم معمولاً واحدهای توپخانه، زنبورک‌خانه و تفنگچی در قلب لشکر در جوار یکدیگر صف‌بندی می‌شدند. به شلیک هم‌زمان واحدهای توپچی و تفنگچی به زبان ترکی «شلک» گفته می‌شد که میرزا زکی، ندیم نادرشاه افشار در دیوان شعر خود از آن یاد کرده است. آرایش نظامی مذکور موجب می‌شد تا سواران دشمنی که فاقد توپخانه مشابه‌ای بودند برای مقابله مؤثر تصمیم بگیرند به جناحین لشکر هجوم آورند. به‌عنوان نمونه افزون بر کاربرد تاکتیک‌های مشابه توسط لشکریان افشار در جریان جدال با افغان‌های ابدالی، در سایر محاربات از جمله در ناحیه آق سرا، بهبودخان اتکی سردار افشار، توپچیان، زنبورکچیان و تفنگچیان را در مرکز لشکرش قرار داد؛ در نتیجه، سواران قوم ترکمن یموت ناگزیر به جناح راست حمله آوردند (آندرام، ۱۳۹۵: ۳۲۸؛ استرآبادی، ۱۳۴۱: ۱۵۰؛ مروی، ۱۳۶۴: ۲/ ۷۲۳ و ۳/ ۹۶۹).

تدارکات واحد توپخانه

مبحث تدارکات توپخانه، بنا بر جهت‌گیری منابع تاریخی، با عناوین شیوه توپ‌ریزی، مصادره توپخانه، ذخیره و نگهداری توپخانه و جابجایی واحد توپخانه، به ترتیب مطرح می‌شوند.

الف- شیوه توپ‌ریزی

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد شکست طهماسب قلی خان افشار از توپال عثمان پاشا موجب اهتمام وی به واحد توپخانه گردید؛ از اقدامات اولیه فرمانروای افشار در این زمینه تلاش‌های پراکنده‌ای برای توپ‌ریزی بود. ضعف واحد توپخانه از اواخر حکومت صفویه موجب شده بود تا توپچیان ایرانی در توپ‌ریزی نیز همچون نشانه‌گیری مهارت چندانی نداشته باشند. باین‌همه طهماسب قلی خان پس از شکست مذکور، ضمن گردآوری صنعتگران توپ‌ریز اصفهانی به ماجراجوی فلاندرزی به نام لاپورتری دستور داد تا تحت فرمان یارعلی بیگ توپچی‌باشی بیست توپ و دو خمپاره‌انداز بسازد. نیاز مبرم به توپخانه سنگین موجب شد تا در ادامه این روند، طهماسب بیگ وکیل برای مقابله

با شورش محمدخان بلوچ درصدد ساخت چهل و پنج توپ برآید^۱ (فلور، ۱۳۶۸: ۴۹-۴۸، ۵۲ و ۵۹).

به تدریج تکاپوهای تدارکاتی نادرشاه شکل منسجم‌تری یافتند؛ چنانکه به علت نیاز مبرم واحد توپخانه به امور نقلیه، هر دو واحد مذکور ادغام شدند و تحت فرماندهی مشترکی قرار گرفتند. در آغاز یورش به هندوستان، مجموع توپچیان و دستجات نقلیه قشون بالغ بر هفت هزار نفر می‌شدند. نوع توپ‌ها نیز بنا به برآورد مؤلف کتاب تاریخ نظامی جنگ ایران و هند از توپ‌های سنگین و متوسط سرپر و جنس آن‌ها از برنج و مس بود. تعداد توپ‌ها بالغ بر یکصد عراده می‌شد که پس از فتح قلعه کابل و نواحی مجاور آن به یکصد و چهل عراده رسید (قوزانلو، ۱۳۰۹: ۶). با وجود ضبط توپخانه دشمنان نیرومندی از قبیل حکومت گورکانی هند، فرمانروای افشار و سردارانش با اتخاذ شیوه‌های مختلف درصدد تقویت واحد توپخانه بودند. به طوری که در سال ۱۱۵۶ ق، بنا به گفته اوتر، «نادرشاه فرمان داد در همدان کارخانه توپ‌ریزی بسازند» و در تداوم آن «سفارش هشت فروند کشتی را به سورت داده بود» (اوتر، ۱۳۶۳: ۲۳۹). در طی اقدامی خاص در سال ۱۱۵۵ ق، ابوالحسن خان حاکم بندرعباس به همراه کلبعلی خان افشار برای مواجهه با اعراب مسقط، عراده‌های توپ کامل و نیمه‌کاملی که شاه‌عباس اول در سال ۱۰۲۸ ق از پرتغالی‌ها گرفته بود را ذوب و به توپ‌های با گلوله‌های شش یا هشت پوندی تبدیل کردند. جدای از آن، گلوله‌های شانزده و بیست و چهار پوندی نیز ساخته شد (فلور، ۱۳۶۸: ۲۱۴).

با وجود اقدامات گسترده، توپ‌های بزرگ قلعه‌کوب و سنگ‌انداز را به سبب دشواری حمل و نقل معمولاً در هنگام محاصره قلاع دشمن می‌ساختند تا به شیوه مؤثرتری قادر به جابجایی و حمله بشوند. در هنگام محاصره قلعه قندهار، نادرشاه دستور داد دو عراده توپ قلعه‌کوب که به وزن چهل و دو من گلوله می‌خورد ساخته شد و یارعلی بیگ توپچی باشی بدان وسیله برج ملاعلی غلجایی را ویران کرد. در هنگام محاصره قلعه گنججه نیز فاتح افشار فرمان داد چند توپ بزرگ را که بیست الی سی من سنگ می‌انداختند را مهیا

۱. نمونه مشابه: شاه طهماسب دوم نیز بعد از شکست از احمد پاشا والی بغداد تلاش مشابهی را انجام داد. وی از فان لایزیگ تاجر هلندی درخواست توپ‌ساز و درودگر کرد که با پاسخ منفی هلندیان مواجه شد. فلور، ۱۳۶۸: ۲۷.

نمایند. با شلیک آنان، چند برج ویران و رخنه‌هایی در حصار قلعه ایجاد شد (مروی، ۱۳۶۴: ۱/ ۳۸۶ و ۲/ ۴۹۴).

برای تأمین مصالح توپخانه، محصلین مالیاتی نادرشاه، فشار فراوانی بر داروسازان و عطاران شهرهای مجاور صحنه نبرد وارد می‌آوردند تا وسایل موردنیاز توپ‌ریزی را فراهم آورند؛ هرچند که درعین حال مواجب مکفی نیز به توپ‌سازان پرداخت می‌شد. بنا به گزارش منابع هلندی، نادرشاه به علت وجود رودخانه میان نواحی شوشتر و کهگیلویه قادر به جابجایی توپ‌های سنگین برای مواجهه با شورش محمدخان بلوچ نبود لذا به چاپاران خویش فرمان داد تا با تنبیه داروسازان و عطاران شهر اصفهان، سیصد من قلع و سایر موارد موردنیاز توپ‌ریزی را تحویل بگیرند. باین‌همه به هر یک از کارگرانی که توپ‌ها را قالب‌ریزی می‌کردند روزانه یک من گندم مواجب می‌دادند (فلور، ۱۳۶۸: ۵۳ و ۵۹). برخلاف توپخانه سنگین، در لشکرکشی‌های طولانی به‌ویژه در مسیرهای ناهموار معمولاً توپ‌های کوچک‌تری را حمل می‌کردند؛ چنانکه فرمانروای افشار برای تصرف قلعه سنگان اقدام نمود ولی بنا به گفته استرآبادی «توپخانه در ریگ نشست. پس آن حضرت جمعی از دلیران را با شترهای کوه کوهان برداشته، خود بر شتر مانند مهر بر بختی سپهر سوار شده، آستین عزم و پای همت برزده گاهی سواره و گاهی پیاده، بکشیدن توپخانه می‌پرداختند» (استرآبادی، ۱۳۴۱: ۷۳).

سهولت حمل توپ‌های کوچک و به‌ویژه زنبورک‌ها موجب توجه و علاقه خاص نادرشاه به ساخت خمپاره‌اندازها و گلوله‌های متناسب با آنان شد. بنا به برآورد مؤلف مجمل‌التواریخ، در یک اقدام، هشتاد هزار گلوله خمپاره در روزگار سلطنت نادرشاه ریخته شد (گلستانه، ۱۳۴۴: ۲۳۸). در سال ۱۱۵۶ ق، در قلعه مرو نیز هفتاد هزار گلوله توپ و خمپاره ساخته گردید. جدای از اجبار یا خریداری توپ و گلوله از اروپاییان به‌ویژه بازرگانان انگلیسی و هلندی، دستور تهیه صدها خروار مصالح قلع، مس و سرب برای ساخت توپ و خمپاره و همچنین چدن و باروت برای ساخت گلوله‌های با وزن‌های متغیر بیست الی چهل منی به حاکمان ایالات، مأموران مالیاتی و یا بازرگانان ایرانی داده می‌شد. به‌عنوان نمونه، بازرگانان شوشتر دستور یافتند تا قلع موردنیاز را از تجار اروپایی بصره خریداری کنند (مروی، ۱۳۶۴: ۳/ ۹۱۱-۹۱۲ و ۱۰۸۴-۱۰۸۵؛ اوتر، ۱۳۶۳: ۲۴۰).

در رخدادی دیگر ابوالحسن خان حاکم بندرعباس صدها گلوله را با انجام تهدید از بازرگانان هلندی و انگلیسی دریافت نمود^۱ (فلور، ۱۳۶۸: ۱۶۹).

ب- مصادره توپخانه

یکی از ساده‌ترین روش‌های دستیابی به واحد توپخانه از طریق غنایم جنگی از جمله توپ، زنبورک و کیسه‌های باروتی بود که فرمانروای افشار در پیکار با دشمنان به دست می‌آورد. نادر قلی افشار از همان بدو قدرت‌گیری تجهیزات مذکور را به صورت پراکنده گردآوری نمود. به طوری که بعد از تصرف قلعه مشهد از ملک محمود سیستانی و قلعه مرو از سواران تاتار، سنگ بنای توپخانه خود را شکل داد و برای نخستین بار برای تصرف قلعه خبوشان به کار گرفت (مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۴۶). در ادامه همین روند در طی نبرد مورچه‌خورت با اشرف افغان، توپ‌های ساخت عثمانی را با عده‌ای از کارکنان آن ضبط نمود (حزین، ۱۳۳۲: ۸۶). فاتح افشار در پاره‌ای از اوقات پس از کسب پیروزی، تمامی اموال منقول و نقدی از جمله توپخانه غنیمتی را میان سردارانش تقسیم می‌کرد^۲ (مروی، ۱۳۶۴: ۱/ ۱۱۲).

توپ‌های بزرگ معمولاً در طی نبرد با لشکریان کشورهای همسایه به‌ویژه حکومت‌های عثمانی و گورکانی به دست می‌آمد. چنین توپ‌های قلعه‌کوبی برای جنگ قلاع بزرگی همچون بغداد یا کرکوک اختصاص می‌یافت. در سال ۱۱۴۵ ق، در واقعه شکست توپال عثمان پاشا افزون بر بنه، توپخانه وی نیز ضبط شد (اوتر، ۱۳۶۳: ۱۳۲). در همین خصوص، کشیش لئاندر در کتاب سفر دوم خویش خاطرنشان کرده است که در سال ۱۱۴۶ ق، طهماسب قلی خان برای ترک محاصره بغداد و به‌منظور سرکوب محمدخان بلوچ از شروطش آن بود که احمد پاشا «دو توپ بزرگی که در بیابان دفن شده و انتقال آن به علت بزرگی دشوار بود به او داده شود» (گزارش کارملیت‌ها از ایران، ۱۳۸۱: ۳۶). در تداوم همین روند، با اعلام تسلیم محمدشاه گورکانی و تصرف دهلی،

۱. مدافعین قلاع تحت محاصره معمولاً در هنگام کمبود گلوله‌های توپ و خمپاره‌انداز، خمپاره‌های دستی مملو از داروی تفنگ پرتاب می‌کردند. داروی تفنگ از قطعاتی همچون آهن، سرب، سنگ‌ریزه و زنجیر ساخته می‌شد. مروی، ۱۳۶۴: ۱/ ۳۸۸ و ۲/ ۶۰۰ و ۹۵۳.

۲. واگذاری توپخانه به‌منظور حضور سرداران افشار در عملیات‌های جنگی مستقل بود. به‌عنوان نمونه در سال ۱۱۴۹ ق، پیرمحمدخان سردار با لشکری مجهز به توپخانه و زنبورک‌خانه برای تصرف بلوچستان اعزام شد. وزیر، ۱۳۶۴: ۳۰۴.

سایر بازدیدکنندگان اروپایی همچون ژان اوتر نگاشته‌اند «نادرشاه که به وسایل اردو کشی، توپخانه و تجهیزات جنگی دست یافته بود، همه را با یک گروه نگهبان مجهز و مسلح به کابل فرستاد تا از آنجا به آسانی و فراغ بال به ایران برده شود»^۱ (اوتر، ۱۳۶۳: ۱۶۴). با این وجود، نادرشاه از طریق حکام و سردارانی همچون میرزا تقی خان، فرمانروای فارس همواره تلاش داشت تا توپ‌های اروپایی را از کشورهایی همچون انگلیس یا هلند اجاره یا خریداری نماید (کروسینسکی، ۱۳۶۹: ۵۰).

ج- ذخیره و نگهداری توپخانه

تا نیمه نخست سلطنت نادرشاه، عملیات جنگی برای محاصره و تصرف قلعه دشمنان به سبب فقدان تجهیزات ترابری مکفی همواره به درازا می‌کشید. به طوری که مدت زمان بسیاری صرف جمع‌آوری سربازان و توپخانه قلعه کوب می‌شد. شواهد تاریخی فراوان اثبات‌کننده این مدعاست؛ به عنوان مثال در سال ۱۱۵۱ ق، نادرشاه برای جنگ قلعه قندهار، منتظر ارسال توپخانه سنگینی از نواحی هرات و لنگور شده بود (دوکلوستر، ۱۳۶۸: ۱۹۳). کلانتر فارس نیز در روزنامه‌اش خاطرنشان کرده است که برای سرکوب محمدتقی خان شیرازی حاکم یاغی فارس، به تدریج از مناطق خراسان، کرمان، عراق و خوزستان نفرات نظامی، توپخانه و زنبورک‌خانه در اردوی جنگی حسین خان، سردار افشار گردآوری شد (کلانتر فارس، ۱۳۶۲: ۱۶).

نادرشاه در نیمه پایانی سلطنت خویش برای تسهیل دسترسی به تجهیزات جنگی در مواجهه با کشورهای همسایه و شورش‌های مرزی، آنان را در قلاع سوق‌الجیشی و دارای اهمیت نظامی نگهداری می‌کرد. به طوری که وی و سردارانش برای لشکرکشی به سرزمین ماوراءالنهر، از توپخانه قلعه مرو استفاده می‌کردند. در این زمینه در سال ۱۱۵۶ ق، علی‌قلی خان سپهسالار برادرزاده نادرشاه برای سرکوب شورش خوارزم با لشکر خراسان و توپخانه قلعه مرو اعزام شد. در تداوم روند فوق، سپهسالار در سال ۱۱۵۸ ق، با ده عراده توپ و حدود هفده هزار نیروی خراسانی وارد مرو شد و در آنجا علاوه بر جباخانه و

۱. نمونه مشابه: در سال ۱۱۵۳ ق، در جریان نبرد با ایلبارس خان در قلعه خانقاه، گادرگرای سردار روس با آتش توپخانه به کمک خان شتافته بود ولی نادرشاه با تصرف قلعه، توپخانه را تصاحب کرد. فلور، ۱۳۶۸: ۹۱.

قورخانه با پنجاه عراده توپ و خمپاره عازم خوارزم گردید (مروی، ۱۳۶۴: ۳/ ۹۳۶ و ۹۶۶).

در مرزهای شرقی حکومت افشار، همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، نادرشاه برای مواجهه با لشکرکشی‌های احتمالی حکومت گورکانی هند و سرکوب شورش‌های بومی، مهدی خان توپچی‌باشی را به قلعه کابل فرستاده بود. در نواحی جنوبی کشور برای مواجهه با اعراب مسقط و شورش‌های محلی نیز قلعه لار نقش محوری داشت؛ چنانکه، محمدتقی خان شیرازی و سایر سرداران افشار قسمت عمده توپخانه خویش را از آنجا تأمین می‌کردند. به‌عنوان نمونه، چند نفر از کدخدایان لار بنا به خواسته سردار افشار احمدخان مروی، پنج یا شش عراده توپ را توسط قاطران حمل کردند تا وی قادر شود قلعه باغ را که مرکز قدرت شیخ احمد گرمسیری بود را محاصره نماید (مروی، ۱۳۶۴: ۱/ ۲۶۱).

بیشترین اهتمام فرمانروای افشار، ذخیره و نگهداری تجهیزات توپخانه برای مواجهه نظامی با حکومت عثمانی بود چراکه در میان همسایگان ایران، لشکریان عثمانی دارای بزرگ‌ترین و بهترین توپخانه قلعه‌کوب بودند. به همین جهت، نادرشاه در دامنه کوه بیستون قلعه بی‌نظیری ساخت که درون آن ابزارآلات جنگی از قبیل توپ و زنبورک انباشته شده بود. بنا به گفته مؤلف مجمل‌التواریخ، توپ‌های بزرگ قلعه کرمانشاه دارای گلوله‌هایی با وزن دوازده من تبریز و برای توپ‌های کوچک‌تر گلوله‌های چهار منی و سه منی بود. جدای از آن، توپ‌های قلعه‌کوب را با بیست‌وپنج عدد نارنجک و پول سیاه شلیک می‌کردند که تعداد زیادی را هم‌زمان به قتل می‌رسانید (گلستانه، ۱۳۴۴: ۲۲۵ و ۲۳۶).

د- جایجایی توپخانه

نادرشاه برای ارسال تجهیزات جنگی خویش به‌ویژه توپخانه همواره نیازمند حیوانات بارکش بود ولی چنین تدارکاتی معمولاً شامل توپ‌های بزرگ و قلعه‌کوب نمی‌شد چراکه به سبب فقدان ترابری و جاده‌های مواصلاتی مناسب، آنان را در محل محاصره قلعه‌ها می‌ساختند و یا اینکه برای پاسداری قلاع استفاده می‌کردند. در همین زمینه، در سال ۱۱۶۰ ق، در قلعه مشهد نادرشاه برای سرکوب شورش کردان قوچان فرمان داد «توپ‌های بزرگ را بگذارند و توپ‌های خردتری بسازند که برای حمل و نقل آسان‌تر باشد» (بازن، ۱۳۴۰: ۳۶). علاوه بر آن، با مرگ نادرشاه، بهبودخان چاپشلو سردار ترکستان به علت

مجادله با ازبکان بخارا چارپای بارکش کم داشت لذا پنجاه عراده توپ و خمپاره را سربازانش حمل می‌کردند. محمدکاظم مروی در این خصوص می‌نگارد:

«بعد از طی مسافت وارد منزل پردلق و چون در توپخانه مبارکه پنجاه عراده توپ و خمپاره موجود و دواب بارکش آن در هنگام مجادله بخارا تلف و توپخانه بر دواب غازیان منزل به منزل حمل می‌شد ناچار در همان منزل مذکور چهار عراده خمپاره را در زیرخاک مخفی و از آن منزل وارد قصبه نارزم و سکان آن دیار از شنیدن ورود عساکر نصرت شعار فرار بر کوه و بیابان‌ها کرده مخفی گشته و در آن منزل موازی دو عراده توپ پنج من گلوله که هریک به وزن ده خروار تبریز می‌شد در سیاه چاه افکنده و چهار کیسه باروت با چهار عدد گلوله و نمده به آب زده در میان توپ انداخته آتش زدند. توپ بدان عظمت چون کرباس در هم درید و بالای آن را به خاک و خاشاک اندودند» (مروی، ۱۳۶۴: ۱۱۲۷/۳).

برای حمل توپ‌های کوچک‌تر و از جمله زنبورک‌ها دشواری کمتری وجود داشت. به طوری که در سال ۱۱۴۱ ق، طهماسب قلی خان، با پنجاه عراده توپ و چهارصد شتر زنبورک برای تصرف قلعه هرات اقدام کرد. در سال ۱۱۴۹ ق نیز فرمانروای افشار برای نبرد با حسین خان افغان حاکم قندهار، هزار و هفتصد شتر زنبورکچی داشت. باین وجود عبور از نواحی ناهموار کوهستانی و بیابان‌های ماسه‌ای همواره مشکل بود هرچند که درعین حال موجب غافلگیری و شکست دشمنان می‌شد؛ چنانکه، برای تصرف قلعه قندهار، توپخانه را با رنج و دشواری بسیار به دامنه کوهی که مشرف بر محل بود، رساندند (مروی، ۱۳۶۴: ۱/۹۳ و ۲/۴۹۰). در نمونه‌ای دیگر ژان اوتر سیاح فرانسوی می‌نگارد که نادرشاه از میان ماسه‌ای که حرکت از آن برای توپخانه و سواره‌نظام بسیار سخت بود عبور کرد و توانست لشکر ازبکان را شکست بدهد^۱ (اوتر، ۱۳۶۳: ۲۳۰).

کاربرد توپخانه در لشکرکشی‌های مداوم موجب می‌شد تا نادرشاه پیوسته فرمان‌هایی مبنی بر تهیه تدارکاتی از قبیل چارپایان بارکش و علوفه مکفی برای مأموران مالیاتی خویش صادر نماید؛ به‌عنوان مثال در سال ۱۱۵۳ ق، عزم جهانگشای افشار برای سرکوب شورشیان نواحی کوهستانی داغستان موجب شد تا «احکام همایون عز صدور یافت و محصلان تعیین شد که از حد تقلیس الی خلخال و اردبیل و تبریز از خالصجات دیوانی

۱. در بعضی مواقع بحرانی برای آنکه در نواحی بیابانی لشکریان یکدیگر را گم نکنند اقدام به شلیک توپ می‌کردند. به‌عنوان مثال، در سال ۱۱۶۰ ق، نادرشاه در بیابان نایبند برای جهت‌یابی لشکریان، توپ شلیک کرد. پس‌از آن، نام آن بیابان را «کفه نادری» نامیدند- وزیر، ۱۳۶۴: ۳۱۴.

و غیره غله به جهت سیورسات غازیان به عراده توپ و دواب حمل و نقل اردوی معلی نمایند» (استرآبادی، ۱۳۴۱: ۳۷۰). وسعت اراضی مورد بهره‌برداری برای تأمین تدارکات جنگی نشان‌دهنده ضرورت مبرم اردوی نظامی افشار برای تأمین علوفه مورد نیاز چارپایان باری بود که با افزایش مداوم حجم توپخانه به‌طور پیوسته‌ای افزایش می‌یافت؛ چنانکه، پس از شکست محمدخان بلوچ، فرمانروای افشار به محمدقلی بیگ حاکم جدید اصفهان فرمان داد «در همه باغ‌های اصفهان، شبدر و جو بکارند تا هنگام ورود نادر به شهر، چارپایان سواری و باری او تغذیه شوند» (فلور، ۱۳۶۸: ۵۹).

مصادره اموال رعیت از جمله چارپایان سواری و باری و بیگاری کشیدن از آنان برای حمل توپ‌ها، باوجود توسعه سازمان قشون و جنگ‌های مداوم همچنان کفاف لازم را نمی‌داد. به‌گونه‌ای که در یک مورد خاص، پادشاه افشار برای تجدید سازمان قشون و حمل و نقل مواد لازم برای توپ‌سازی در قلعه همدان به هفتاد هزار رأس اسب احتیاج داشت. به همین جهت، خریداری حیوانات بارکش از کشور عثمانی و ایلات مرزی آن به‌شدت جریان می‌یافت. بنا به گفته ژان اوتر در سفرنامه‌اش، مال‌اندوزی پاشاها و حکام مرزی عثمانی موجب می‌شد تا اقوام ترک و عرب پیوسته در تهیه اسب، قاطر و شتر برای قشون ایران رقابت داشته باشند. به‌طوری‌که در مدت اندکی برای چندین مرتبه بیش از شصت هزار رأس اسب به ایرانیان فروختند و این شمار جدای از شتران و قاطران خریداری شده از اعراب بنی خالد و ترکان بود. کردهای ناحیه اربیل نیز در عرض یک ماه، چهار هزار رأس اسب به سربازان نادرشاه فروخته بودند (اوتر، ۱۳۶۳: ۲۴۰، ۲۶۰ و ۲۶۷).

جدول ۱: واحد توپخانه نادرشاه افشار

<p>۱. نبردهای صحرائی: الف- در آرایش تدافعی: محافظت از اردوی جنگی. ب- در آرایش تهاجمی: حضور در واحد مقدم نبرد</p> <p>۲. نبردهای دریایی: تجربه ناکافی در نشانه‌گیری اهداف متحرکی همچون کشتی‌ها</p> <p>۳. محاصره قلعه: الف- موفقیت در تصرف قلاع فاقد توپخانه. ب- کاربرد هم‌زمان توپخانه و شیوه‌های سنتی (حواله بندی، نقب‌زنی و غرقاب) برای تصرف قلاع مجهز به توپخانه</p> <p>۴. استخدام و بهره‌برداری از مهارت فنی توپچیان اروپایی</p>	<p>- عملکرد واحد توپخانه</p>
--	------------------------------

<p>۵. ارتقای درجات نظامی و حکومتی متصدیان واحد توپخانه</p> <p>۶. پیشاهنگی واحد توپخانه در میدین نبرد: افزایش احتمال مصادره و کشته شدن توپچیان</p> <p>۷. صفت‌بندی واحدهای توپخانه و تفنگچی در قلب لشکر</p>	
<p>۱. شیوه توپ‌ریزی: الف- فقدان تجربه کافی توپ ریزان ایرانی. ب- ادغام واحد توپخانه با امور نقلیه. پ- ساخت کارخانجات توپ‌ریزی. ت- ساخت توپ‌های بزرگ قلعه کوب در هنگام محاصره قلاع مستحکم. ث- سهولت حمل توپ‌های کوچک در راه‌های مواصلاتی ناهموار.</p> <p>۲. شیوه مصادره توپخانه دشمن: الف- ضبط واحد توپخانه حکومت‌های محلی و حکومت‌های همسایه عثمانی و گورکانی هند. ب- اجاره و یا خریداری توپخانه از کشورهای اروپایی</p> <p>۳. شیوه ذخیره و نگهداری توپخانه: نگهداری توپخانه در قلاع مرزی (مرزو، لار، کابل و کرمانشاه) برای مواجهه با شورش‌های داخلی و حملات کشورهای همسایه</p> <p>۴. شیوه جابجایی توپخانه: الف- بیگاری گرفتن از اهالی و ضبط چارپایان سواری و بارکش آنان. ب- خریداری چارپایان سواری و باری از ایلات مرزی حکومت عثمانی.</p>	<p>- تدارکات واحد توپخانه</p>

نتیجه‌گیری

سازمان قشون نادرشاه افشار در طول فرمانروایی‌اش همواره در حال گسترش بود. مهم‌ترین و هزینه‌برترین قسمت آن، واحد توپخانه بود که مطابق با گسترش و پیچیده‌تر شدن میدین جنگی، به لحاظ کمی و کیفی ارتقا می‌یافت. به لحاظ جنبه کمی واحدهای زنبورک‌خانه و امور نقلیه در واحد توپخانه ادغام شدند تا سرعت جابجایی و انسجام رویه در واکنش به شورش‌های داخلی و تهاجمات خارجی افزایش یابد. بااین‌همه، وسعت جغرافیایی فلات ایران و وجود اقلیم‌های ناهموار موجب می‌شد تا تلفات چارپایان بارکش و حمل توپخانه سنگین با دشواری مواجه شود. برای سهولت جابجایی،

توپ‌های سنگین را در محل جنگ قلعه می‌ساختند و چارپایان بارکش و سواری تازه‌نفس را از ایلات عرب و ترکمن ساکن در کشور عثمانی خریداری می‌کردند. همین امر موجب می‌شد تا نادرشاه در نیمه پایانی سلطنت خویش برای تسهیل دسترسی به تجهیزات جنگی در مواجهه با کشورهای همسایه و شورش‌های مرزی، آنان را در قلاع سوق‌الجیشی و دارای اهمیت نظامی نگهداری نماید. در ضمن، توپ و گلوله‌های متناسب با آن در اندازه‌های مختلف به صورت مختلفی همچون غنیمت جنگی، خریداری و یا با ساخت در قلاع مستحکم به دست می‌آمدند.

به لحاظ جنبه کیفی، کمبود مهارت و تجربه توپچیان ایرانی در طی نبردهای سنگین به‌ویژه با دزدان دریایی خلیج فارس و به هنگام جنگ قلعه با استخدام توپچیان اروپایی جبران می‌شد. هرچند که فرمانروای افشار از شیوه‌های سنتی قلعه‌گیری (حواله بندی، نقب زدن و غرقاب قلعه) برای افزایش موفقیت بهره می‌جست. جدای از آن، توپخانه معمولاً واحد مقدم قشون بود که در نبرد تهاجمی با دشمنان به‌ویژه با حکومت عثمانی بیشترین آسیب مالی و جانی را به سبب زمان‌بر بودن عقب‌نشینی متحمل می‌شد ولی غرض مهیب توپخانه نادرشاه در مواجهه با سرکشی اقوام داخلی و به‌ویژه دستجات و ایلات مرزی که تجربه و تجهیزات مشابه‌ای نداشتند موجبات برتری قطعی اردوی نادرشاه افشار را فراهم می‌آورد. ساخت و کاربرد توپخانه گران‌قیمت در لشکرکشی‌های مداوم موجب شد تا فرمانروا فشارهای مالیاتی و بیگاری فراوانی بر اهالی ایلات مختلف کشور اعمال نماید که به‌نوبه خود موجب افزایش نارضایتی‌ها و وقوع شورش‌های مختلف می‌شد.

فهرست منابع و مآخذ:

- استرآبادی، محمدمهدی بن محمدنصیر (۱۳۴۱). *جهانگشای نادری*، مصحح عبدالله انوار، تهران: انجمن آثار ملی.
- اوتر، ژان (۱۳۶۳). *سفرنامه*، ترجمه علی اقبال، تهران: جاویدان.
- آندرام، رای رایان (۱۳۹۵). *مرآت‌الاصطلاح*، تصحیح چندر شکهیر، حمیدرضا قلیچ‌خانی، هومن یوسفدهی، تهران: سخن.
- بازن، پادری (۱۳۴۰). *نامه‌های طیب نادرشاه*، ترجمه علی‌اصغر حریری، تهران: تابان.
- تهرانی، محمدشفیع (۱۳۴۹). *تاریخ نادرشاهی*، به اهتمام رضا شعبانی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- حسینی جامی، محمود بن ابراهیم (۱۳۸۶). *تاریخ احمدشاهی*، تهران: عرفان.
- حزین، محمدعلی (۱۳۳۲). *تاریخ*، اصفهان: تایید.
- دوکلوستر، آ (۱۳۴۶). *تاریخ نادرشاه*، ترجمه محمدباقر امیرخانی، تبریز: کتابفروشی سروش.
- رستم الحکما، محمدهاشم آصف (۱۳۸۲). *رستم التواریخ*، تصحیح میترا مهرآبادی. تهران: دنیای کتاب.
- ریاحی، محمدامین (۱۳۶۸). *سفارت نامه‌های ایران*، تهران: توس.
- صحت منش، رضا (۱۳۹۷). «نظام توپخانه در دوره قاجار»، *مطالعات تاریخی جنگ*، سال دوم، شماره دوم.
- فلور، ویلم (۱۳۶۸). *حکومت نادرشاه*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- قزوینی، ابوالحسن (۱۳۶۷). *فوائد الصفویه*، تصحیح مریم میراحمدی. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- قوزانلو، جمیل (۱۳۰۹). *تاریخ نظامی جنگ ایران و هند*، تهران: کتابخانه تهران.
- کروسینسکی، یوداش تادوش (۱۳۶۹). *ده سفرنامه*، ترجمه مهرباب امیری، تهران: انتشارات وحید.
- کلانتر فارس، میرزا محمد (۱۳۶۲). *روزنامه*، تصحیح عباس اقبال، تهران: کتابخانه سنایی و طهوری.
- گزارش کارملیت‌ها از ایران (۱۳۸۱). ترجمه معصومه ارباب، تهران: نی.
- گلستانه، ابوالحسن بن محمدامین (۱۳۴۴). *مجمل التواریخ*، به سعی و اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، تهران: ابن سینا.
- مجتبی تبریزنیا تبریزی، عبدالرسول خیراندیش، عطاءالله حسنی، رضا شعبانی، (۱۳۹۸). «کارکرد سلاح توپ در سرکوبشورش‌های محلی و استمرار دولت متمرکز عصر صفوی» پژوهشنامه *تاریخ‌های محلی ایران*، سال هفتم، شماره دوم.
- مجتبی تبریزنیا تبریزی و عبدالرسول خیراندیش (۱۳۹۸). «توپچی باشی» در عصر صفوی؛ از فن‌سالاری تا منصب‌داری»، *پژوهش‌های علوم تاریخی*، سال یازدهم، شماره دوم.
- مروی، محمدکاظم (۱۳۶۴). *عالم‌آرای نادری*، تصحیح محمدامین ریاحی، ۳ ج، تهران: نشر علم.
- مستوفی، محمدحسن (۱۳۷۵). *زبده التواریخ*، تصحیح بهروز گودرزی. تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار.
- میرزا عبدالکریم (۱۳۳۲). *در رکاب نادرشاه*، تصحیح محمود هدایت، تهران: سپهر.

- نوایی، عبدالحسین (۱۳۳۸). *نادرشاه و بازماندگانش*، تهران: زرین.
- واله داغستانی، علیقلی بن محمدعلی (۱۳۸۴). *تذکره ریاض الشعرا*، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.
- وزیری، احمدعلی خان (۱۳۶۴). *تاریخ کرمان*، به کوشش محمدابراهیم باستانی پاریزی، ۲ ج، تهران، انتشارات علمی.

Function of the Artillery Unit of Nader Shah Afshar

*Mehdi Dehghani**

Abstract

The neglect of the artillery unit at the end of the Safavid dynasty led to the weakness of its operational function to the extent that the Iranian artillerymen did not have much skill and experience in the process of launching cannons and aiming. The expansion and the complexity of Nader Shah's conflicts with internal and external enemies made him to make his increasing efforts to form and strengthen the artillery unit. This research thus aimed to throw light on the function of the artillery unit of Nader Shah Afshar. This study found that the artillery of the Afshar ruler gradually improved significantly in many respects such as equipment, recruitment and training of artillerymen and the promotion of commanders' positions. As a result, artillery was the most important operational unit of the army on the battlefields especially during sea battles or the siege of strategic forts. The present historical study collected library data from historical sources after describing and classifying the various aspects of Nader Shah Afshar artillery to analyze and interpret these features and its different effects.

Keywords: artillery, artilleryman, launching cannons, fort, Nader Shah Afshar.

* Assistant Professor, Department of History, University of Jiroft.

Email: mehdi.dh82@yahoo.com

| Received: January 31, 2021; Accepted: June 30, 2021 | DOI:10.29252/HSOW.5.2.29|